

منطقه‌گرایی چین محور در آسیای شرقی (۲۰۱۷-۲۰۰۱)

شایان جوزانی کهن^۱، شاهین جوزانی کهن^۲

چکیده

چین در پی رشد اقتصادی پایدار خود درصدد است تا خود را به یکی از قدرت‌های برتر اقتصادی جهان تبدیل کند و به افزایش مناسبات اقتصادی خود با کشورهای منطقه آسیای شرقی اقدام کند. درگیر بودن آمریکا در افغانستان و عراق سبب ایجاد شرایط مناسب‌تر برای چین به منظور افزایش حضور و تأثیرگذاری این کشور در منطقه آسیای شرقی شد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال یافتن چگونگی گسترش تأثیرگذاری چین در نظم منطقه‌ای آسیای شرقی و ابتکارات این کشور در ایجاد نظم منطقه‌ای چین محور در منطقه است. چین با استفاده از ابزارهای اقتصادی موجب ایجاد گرایش بیشتر در کشورهای آسیای شرقی به سیاست‌های پکن شده است. همچنین در سال‌های اخیر بازیگری امنیتی این کشور در منطقه نیز رشد داشته است. منطقه آسیای شرقی بدلیل شرایط جغرافیایی خاص و رشد اقتصادی چشمگیر شاهد حضور بازیگران فرامنطقه‌ای نیز بوده است. اما تلاش چین برای ایفای نقش اصلی در منطقه کماکان ادامه دارد.

واژگان کلیدی: چین، منطقه‌گرایی، نظم منطقه‌ای، آسیای شرقی، همکاری‌های اقتصادی.

^۱ دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

مقدمه

تبدیل شدن به تأثیرگذارترین قدرت اقتصادی منطقه آسیای شرقی است.

در دو دهه اخیر، چین بر حفظ تمامیت ملی و ثبات سیاسی به علاوه تضمین رشد اقتصادی باثبات متمرکز شده است. تأکید سیاست خارجی چین بر تأمین ثبات و محیط خارجی صلح‌آمیز قرار گرفته است که رشد و توسعه اقتصادی را اجازه می‌دهد (امیراحمدیان و صالحی دولت-آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸). چین اولویت اصلی سیاست خارجی خود را تمرکز بر منطقه پیرامونی یعنی آسیای شرقی قرار داده است. شی جینگ پینگ راهبردهای دیپلماسی پیرامونی را مشخص کرده است. بر این اساس اصل دوستی سازگار دیپلماسی چین با همسایگان و صداقت، روشی برای پرورش بیشتر دوستان و شرکا است. همکاری با همسایگان باید مبتنی بر منافع مشترک و ایجاد یک شبکه نزدیک به منافع مشترک باشد.

چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ

بوزان که یک نو واقع‌گراست، به شکل بسیار مبسوط‌تر، مستدل‌تر و قوی‌تری امنیت مضیق را به زیر سوال می‌برد و امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). مفهوم تهدید وجودی یکی از مباحثی است که در زمینه تهدید مورد توجه مکتب کپنهاگ قرار گرفته است. مفهوم تهدید وجودی ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع موردنظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب و یا آسیب جدی روبه‌رو می‌سازد (همان، ۱۸۲).

چینی‌ها معتقدند توسعه اقتصادی در ارتباط با جهان خارج و در شرایط صلح و ثبات تقویت می‌شود. آنها محیط نظام بین‌الملل را در دوران گذار برآورد می‌کنند و همین را علت ایجاد فرصت برای توسعه چین می‌دانند (کولایی و نیک-نام، ۱۳۹۳: ۱۶۲). منطقه آسیای شرقی بعد از جنگ جهانی دوم تا حد زیادی متأثر از سیاست‌های واشنگتن و کشورهای همسو با سیاست‌های این کشور بود. آغاز اصلاحات اقتصادی چین و رشد اقتصادی با ثبات این کشور، زمینه‌ساز افزایش قدرت چین در عرصه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی شد، به گونه‌ای که افزایش مناسبات اقتصادی این کشور با منطقه آسیای شرقی، نهادگرایی منطقه‌ای و جهانی چین و تأثیرگذاری منطقه‌ای را در پی داشته است. چین با دارا بودن توان اقتصادی چشمگیر، در سال‌های اخیر بدنبال

از آنجایی که امنیت در مکتب کپنهاگ ابعاد مختلفی را شامل می‌شود، تهدید وجودی نیز می‌تواند در هر یک از این ابعاد متوجه بازیگران باشد. از نظر مکتب کپنهاگ، تهدیدات وجودی در بخش اقتصادی در ماهیت و ذات اقتصاد بازار نهفته است. رقابت شدید خارجی، محدودیت صادرات محصولات خارجی، دخالت در قیمت‌ها، ارز و نرخ بهره، مشکلات کسب اعتبار، انواع پرداخت دیون در مجموعه تهدیدات بخش اقتصادی قرار دارند (همان، ۱۲۹).

دو فاکتور اساسی می‌تواند تهدیدات بخش اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل کند: اول آنکه، این تهدیدات بقای جمعیت کشور را مورد تهدید قرار دهد و دوم، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، تأثیر استراتژیک بر بخش نظامی داشته باشد (همان، ۱۳۰). دولت‌ها همچنین

روابط چین و آمریکا بعد از آغاز جنگ آمریکا در عراق و افغانستان بطور چشمگیری بهبود یافت. بطوری که کالین پاول روابط چین و آمریکا را در بهترین سطح خود از سال ۱۹۷۲ توصیف کرد (Ibid, 5). ژاپن در جنگ آمریکا علیه افغانستان به سرعت نیروهای دفاع از خود^۲ را در افغانستان مستقر کرد.

روابط آمریکا و کره جنوبی در دوران ریاست جمهوری بوش تا حد زیادی با مشکل روبه‌رو شد. در پی مواضع متفاوت در قبال کره شمالی و حضور بحث برانگیز نظامیان آمریکایی در این کشور که احساسات ضدآمریکایی را دربرداشت (Ibid, 6). در دوران ریاست جمهوری بوش، ایالات متحده بازیگری خنثی در شبه‌جزیره کره را آغاز کرد. تا سال ۲۰۰۸، کره جنوبی همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را با چین گسترش داد و بطور فزاینده‌ای به این کشور برای مدیریت تهدید کره شمالی اتکا پیدا کرد. ایالات متحده نیروهای خود را در کره جنوبی تا ۴۰ درصد کاهش داد، همچنین استقرار نظامی خود را بین سئول و منطقه غیرنظامی شده خاتمه داد. آمریکا متعهد به واگذاری کنترل عملیاتی به ارتش کره جنوبی تا سال ۲۰۱۲ شد و بطور چشمگیری رزمایش‌های مشترک بین آمریکا و کره جنوبی کاهش یافت (Ross, 2013: 30).

می‌توانند از برتری‌های اقتصادی خود برای کسب امتیازات سیاسی بهره‌گیرند (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

نقش آفرینی کمرنگ ایالات متحده در ترتیبات منطقه‌ای آسیای شرقی

دولت بوش با محیط امنیتی بین‌المللی چالش‌برانگیز بعد از رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مواجه شد و بخش بزرگی از توجه و توان خود را در خاورمیانه در جنگی که آن را به زعم خود جنگ علیه تروریسم می‌خواند، صرف کرد. همچنان که جنگ در افغانستان و عراق توان سیاست خارجی آمریکا را تحلیل می‌برد، مقامات دولتی کشورهای آسیا-اقیانوسیه، بویژه در جنوب شرقی آسیا با بازیگری غیرفعال آمریکا به سوی تعامل بیشتر با چین حرکت می‌کردند (Tsai, 2013: 4).

با اینکه حضور امنیتی آمریکا در منطقه آسیا-اقیانوسیه بطور محسوسی کاهش یافته بود، اما دولت بوش با در دستور کار قرار دادن مناسبات اقتصادی در رویکرد خود به منطقه سعی در افزایش حضور ایالات متحده در عرصه اقتصادی داشت. توافق تجاری آزاد دوجانبه با استرالیا و سنگاپور در دوران ریاست جمهوری بوش به امضا رسید. دولت بوش همچنین مذاکرات برای توافق تجاری آزاد آمریکا-کره جنوبی و توافق شراکت اقتصادی راهبردی فرا-پاسفیک^۱ را آغاز کرد، که هر دو بسترهای لازم را برای تداوم مذاکرات در دولت اوباما فراهم کردند.

¹ The Trans-Pacific Strategic Economic Partnership Agreement (TPP)

² Self Defense Force

سرتاسر جنوب شرقی و شرق آسیا استفاده کرده است. بیشتر کشورهای کوچکتر در جنوب شرقی آسیا کم‌کم در حال چرخش به سوی سیاست‌های پکن بودند. زیرا موفقیت خود را در مناسبات نزدیک و روابطشان با پکن می‌دیدند (Ibid, 18). از نظر آمریکا چین به صورت آگاهانه از قدرت اقتصادی خود در راستای جلوگیری از اقدامات همسایگانش در به چالش کشیدن منافع ژئوپلیتیک چین و تضعیف کشورهای همسو با سیاست‌های ایالات متحده در آسیا استفاده می‌کند (Blackwill and Tellis, 2015: 13).

روند گسترش تعاملات کشورهای آسیا-اقیانوسیه با چین تا سال ۲۰۱۶ کماکان ادامه یافته است. این روند به عوامل متعددی بستگی داشته است:

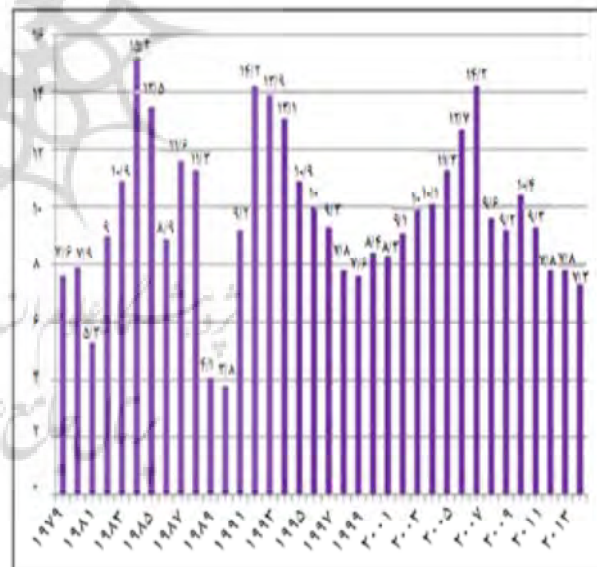
عامل اول، بزرگی کشور چین و در نتیجه قابلیت‌های بالقوه‌ی این کشور است. در مقایسه با آمریکا، اگرچه تولید ناخالص داخلی چین به ازای هر نفر حدود یک پنجم است، اما در حال حاضر اندازه اقتصاد چین حداقل به اندازه دو سوم اقتصاد آمریکا است. بودجه دفاعی چین تقریباً سه برابر بیشتر از بودجه دفاعی ژاپن و کمتر از یک سوم بودجه‌ی دفاعی آمریکا است. از نظر آمریکا، توسعه رو به گسترش چین نشان‌دهنده چالشی بزرگ برای آمریکا در منطقه آسیای شرقی است.

عامل دوم، نقش و موقعیت جغرافیایی و تاریخی چین در منطقه است. این موضوع به این معناست که رشد در قدرت راهبردی، نظامی و اقتصادی چین به گونه‌ای بر روند تعاملات و ارتباط سایر بازیگران با این کشور اثرگذار می‌باشد.

افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین در منطقه آسیای شرقی

از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۴، تولید ناخالص داخلی چین با نرخ متوسط سالانه نزدیک به ۱۰ درصد رشد داشته است (Morrison, 2015: 1). از انتهای دهه ۹۰ تا سال ۲۰۰۵، از ۸ تا ۹ درصد بطور سالیانه رشد اقتصادی داشت. در سال ۲۰۰۶ نرخ رشد اقتصادی چین به بالای ۱۱ درصد رسید، همچنین این میزان برای سال ۲۰۰۷ نیز در نظر گرفته شد (Layne, 2008: 13).

نمودار ۱) رشد تولید ناخالص داخلی چین: ۱۹۷۹-۲۰۱۴



Source:

China's Economic Rise: History, Wayne M. Morrison, Trends, Challenges, and Implications for the United States. 21 October 2015. P 6.

در حالیکه ایالات متحده مشغول به جنگی بود که آن را جنگ با تروریسم می‌خواند، چین از قدرت اقتصادی در حال شکوفایی خود برای گسترش نفوذ سیاسی خود در

و دفاعی در آسیا و یکی از قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور بود.

محوریت چین در همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای شرقی

دولت چین سیاست افزایش مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری را در سراسر جهان و به ویژه با کشورهای آسیایی حفظ کرده است (Morrison, Ibid: 25). از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸، چین از طریق مجموعه‌ای از همکاری‌های اقتصادی، نظامی و توسعه روابط دیپلماتیک موفقیت‌های قابل توجهی در بهبود روابط با همسایگان خود بدست آورد (Saunders, 2013: 4).

در اوج بحران مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸، چین و آسه‌آن^۱ رابطه نزدیک‌تری با یکدیگر ایجاد کردند. رشد چین نیروی کشش قدرتمندی را بر اقتصادهای آسه‌آن به سوی خود اعمال کرد، تولید قطعات در مالزی، ایجاد بانک در سنگاپور و استخراج معدن مس در میانمار نمونه‌هایی از گسترش همکاری‌ها بین چین و اعضای آسه‌آن بود. درجه وابستگی اعضای آسه‌آن به چین از نظر صادرات، واردات و یا هر دو متفاوت است. کشورهای ثروتمند آسه‌آن از شرکای تجاری متنوعی برخوردارند، درحالی‌که کشورهای فقیرتر آسه‌آن به شدت وابسته به چین هستند. سهم ویتنام در جریان صادرات و واردات چین بطور چشمگیری افزایش داشته است، اما این مسئله در مورد سنگاپور کاهش را نشان می‌دهد (Salidjanova & Others, 2015: 3). بسیاری از شرکای تجاری چین، بویژه همسایگان کوچک‌تر

عامل سوم، چین به عنوان رقیب نظامی نیرومندی در مقابل آمریکا به ایفای نقش می‌پردازد و این امر حداقل در منطقه آسیای شرقی برای آمریکا چالشی بزرگ محسوب می‌شود.

عامل چهارم، ظهور چین به عنوان قدرت اقتصادی، چالشی منحصر به فرد برای آمریکا است. چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری ژاپن، کره جنوبی، ویتنام، اندونزی و استرالیا مطرح است. همچنین چین بزرگترین شریک تجاری هند و آمریکا در آسیا است. این دوراهی برای شماری از کشورها از جمله استرالیا است که حالا بزرگترین شریک تجاری آنها درگیر در رقابت راهبردی در حال گسترش با شریک امنیتی خود یعنی آمریکا شده است. شماری از کشورها از جمله ژاپن برای رشد خود به تعامل با اقتصاد در حال رشد چین می‌نگرند. این مورد نشان می‌دهد که امنیت و منافع اقتصادی ضرورتاً هم ردیف نیستند. اهمیت چین در اقتصاد جهانی و منطقه‌ای سبب شده است تا تلاش برای ایجاد ائتلاف امنیتی آشکار تحت حمایت آمریکا علیه چین با شکست مواجه شود (Lee, 2016: 35-37).

جنگی که توسط آمریکا جنگ علیه تروریسم خوانده شد و کاهش رشد اقتصادی آمریکا فرصت بزرگی را برای افزایش تأثیرگذاری چین در منطقه ایجاد کرد. منافع اصلی چین از تایوان به تبت و دریای چین جنوبی و شرقی افزایش یافت و مناقشه با ژاپن، ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونئی و اندونزی را در پیش گرفت (Chadha, 2014: 33). در سال ۲۰۰۶، چین از نظر نظامی قدرت منطقه‌ای با قابلیت‌های تهاجمی

¹ Association of South East Asian Nations (ASEAN)

اقتصادی و اجتماعی به سبک چینی و همچنین صرف‌نظر از برنامه سلاح‌های هسته‌ای پرداخت. چین همچنین از ایالات متحده خواست تا با ارائه تضمین‌های امنیتی و مشوق‌های اقتصادی و دیپلماتیک، کره‌شمالی را برای تغییر رفتار خود و باز کردن اقتصاد و جامعه خود به جهان خارج تشویق کند (Gross & Others, 2007: 4).

در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵، بیانیه مشترک مذاکرات شش‌جانبه، که در آن کره‌شمالی برای اولین بار در مذاکره با ایالات متحده متعهد به رهاسازی تمامی سلاح‌های هسته‌ای و برنامه تسلیحات هسته‌ای موجود شد، با موافقت شش طرف مذاکره‌کننده با سه بند مهم صادر شد:

- ۱- ارتقا همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی با کره‌شمالی؛
- ۲- مذاکره بر سر یک رژیم صلح دائمی در شبه‌جزیره کره در انجمنی جداگانه؛
- ۳- جستجو راه‌ها و وسایل مناسب برای تقویت همکاری‌های امنیتی در شمال شرق آسیا.

در ۱۳ فوریه ۲۰۰۷، اعضای مذاکره‌کننده بر سر موارد زیر به توافق رسیدند:

- ۱- آغاز مذاکرات دوجانبه با هدف حل مسائل دوجانبه و حرکت به سوی روابط دیپلماتیک کامل؛
- ۲- آغاز روند خارج‌سازی کره‌شمالی به عنوان کشوری که از سوی آمریکا حامی تروریسم خوانده می‌شد؛
- ۳- همکاری در اقتصاد، انرژی و کمک‌های بشردوستانه به کره‌شمالی؛

به علت تعاملات روبه‌گسترش با چین تلاش می‌کردند تا از هرگونه حرکتی برضد سیاست‌های این کشور خودداری کنند (Blackwill & Tellis, Ibid: 12).

پس از بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و رکود اقتصادی در ایالات متحده، چین با مناسبات تجاری به میزان ۱۱.۶ درصد از حجم کل تجارت آسه‌آن، به بزرگترین شریک تجاری آسه‌آن تبدیل شده است. موقعیت اقتصادی و سیاسی چین در جنوب شرقی آسیا با تقویت روابط تجاری با آسه‌آن از طریق منطقه تجاری آزاد چین و آسه‌آن که در اول ژانویه ۲۰۱۰، عملیاتی شد بسیار بهبود یافته است (Chan & Hyatt Katz, 2013: 2).

چین همچنین در حال تبدیل شدن به یک سرمایه‌گذار برجسته در سایر کشورهاست. استفاده از ذخایر بزرگ ارزی چین و همچنین کاهش سطح سرمایه‌گذاری این کشور در بازار داخلی خود از عوامل رشد سرمایه‌گذاری خارجی این کشور است. سرمایه‌گذاری خارجی چین از ۳۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به رقم ۵۲۵.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسید (Salidjanova & Others, 2015: 6).

ابتکار چین در شکل‌دهی گفتگوهای شش‌جانبه؛

سازوکاری برای حل بحران شبه‌جزیره کره

چین سیاست برگزاری مذاکرات شش‌جانبه را به ایالات متحده و کره‌شمالی ارائه کرد تا به مسیری برای عادی‌سازی شبه‌جزیره کره از تسلیحات هسته‌ای دست یابند. پکن به تشویق کره‌شمالی برای پیاده‌سازی اصلاحات

¹ Six Party Talks

این فرآیند شد. سپس بازرسان بین‌المللی اخراج شدند و پس از آزمایش موشک بالستیک کره‌شمالی و بدنال آن تحریم شورای امنیت سازمان ملل منجر به خاتمه یافتن این مذاکرات شد (Chanlett & Others, 2016: 5).

سازمان همکاری‌های شانگهای^۲

این سازمان در سال ۲۰۰۱ توسط کشورهای چین، روسیه، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تأسیس شد. همچنین هند، پاکستان، ایران، مغولستان و افغانستان اعضای ناظر این سازمان هستند. در منشور سازمان به اهدافی نظیر تقویت اعتماد متقابل، دوستی و همسایگی، توسعه همکاری‌ها در تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه و کمک به ایجاد آن، نظم منطقی سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و اقدام مشترک علیه تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمام مظاهر خود اولویت داده شده است (Blakemore, 2014: 24). فرایندهای دیپلماتیک مشورت‌محور و همکاری‌جویانه به چین اجازه استفاده از قدرت اقتصادی برای تأثیرگذاری در سیاست‌های منطقه‌ای را می‌دهد (Ibid, 26).

منطقه‌گرایی نیمه‌باز

از اواسط دهه ۱۹۹۰، چین بطور فعالانه توسعه روابط خود را با آسیای جنوب شرقی از طریق رویکردهای همکاری-جویانه بیشتر دنبال کرده است. این رویکرد از زمان بحران مالی ۱۹۹۸-۱۹۹۷ تا حال حاضر مشهود است. بطور کلی

۴- یافتن راه و وسیله‌ای برای ترویج همکاری‌های امنیتی در شمال شرق آسیا و برگزاری جلسه شش‌جانبه در سطح وزیر خارجه؛

۵- مذاکره بر سر یک رژیم صلح دائمی در شبه‌جزیره کره در انجمنی جداگانه (Ibid, 8-9).

در ژوئیه ۲۰۰۶، کره‌شمالی هفت موشک از جمله موشک دوربرد تائپو دونگ^۲ را که قادر به هدف قرار دادن ایالات متحده آمریکا بود، شلیک کرد. براساس برآورد اطلاعات ملی ایالات متحده^۱ در سال ۲۰۰۶، کره‌شمالی از سال ۲۰۰۰ مواد لازم را برای تولید شش سلاح هسته‌ای یا بیشتر ساخته بود و همچنان به تولید پلوتونیوم برای تولید یک بمب در هر سال ادامه می‌داد. از آنجا که کره‌شمالی به شدت به چین برای نفت و دیگر مواد حیاتی وابسته بود، واشنگتن اعلام کرد که پکن دارای اهرم‌های قابل توجهی است که می‌تواند و باید در برابر پیونگ یانگ در مذاکرات دیپلماتیک اعمال کند (Ibid, 3).

روند مذاکرات در نهایت به دلیل پیچیدگی پیرامون مسدود کردن دارایی‌های کره‌شمالی در یک بانک در ماکائو از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا و پس از آن با آزمایش هسته‌ای کره‌شمالی در اکتبر سال ۲۰۰۶ به پایان رسید. در فوریه ۲۰۰۷، در جریان مذاکرات شش‌جانبه، مذاکره‌کنندگان به توافقی که منافع اقتصادی و دیپلماتیک کره‌شمالی را در ازای توقف تأسیسات هسته‌ای پیونگ یانگ تأمین می‌کرد، دست یافتند. با این حال، اختلاف بر سر ویژگی‌های پروتکل تأییدیه بین واشنگتن و پیونگ یانگ، موجب توقف مجدد

¹ U.S. National Intelligence

² Shanghai Cooperation Organization

خیزش چین بهره می‌برد، درحالیکه افزایش نفوذ منطقه‌ای چین را نیز در پی خواهد داشت (Blackwill & Tellis, Ibid: 14).

۱- همکاری چین با نهادهای منطقه‌ای

ورود چین به چارچوب رفتاری^۲ آسه‌آن در سال ۲۰۰۲ برای مناقشات در دریای چین جنوبی، تأکید بر آسه‌آن به اضافه سه و حرکت به سوی منطقه تجاری آزاد آسه‌آن- چین^۳ همه نشان از تغییر اصولی در روابط بین چین و آسه‌آن بوده است. با یک اقتصاد در حال رشد و نوسازی نظامی، چین ظرفیت و انگیزه لازم برای تعامل با نهادهای منطقه‌ای و کشورهای عضو این نهادها به دست آورده است و در نهایت از این طریق تلاش می‌نماید تا در نظام بین‌المللی نقش فعال‌تری ایفا نماید. رویکرد چین در چندجانبه‌گرایی، نشان‌دهنده اولویت چین در همکاری‌های اقتصادی چند-جانبه، استفاده از قدرت نرم، ارتباط دوسویه بین چند-جانبه‌گرایی و دوجانبه‌گرایی و تأثیرگذاری بر هنجارهای نهادی است (Blakemore, Ibid: 22). چین بوسیله تعامل اقتصادی بیشتر با آسه‌آن که به عنوان مرکز ثقل حفظ نظم ژئوپلیتیک و اقتصاد با ثبات منطقه در نظر گرفته می‌شود، تلاش می‌نماید تا نظم منطقه‌ای را کنترل نماید. حضور چین در گروه‌بندی آسه‌آن به اضافه سه می‌تواند بازیگران سنتی در منطقه را به چالش بکشد (Ibid, 23).

در مورد اهداف چین از منطقه‌گرایی نیمه-باز به چند مورد می‌توان اشاره کرد:

- ۱- حفظ محیط سیاسی و امنیتی پایدار، بطور ویژه محیط پیرامونی چین که به تداوم رشد اقتصادی چین کمک می‌کند؛
- ۲- حفظ و گسترش مسیرهای تجاری ترانزیت آسیای جنوب شرقی؛
- ۳- دسترسی به منابع انرژی و مواد خام منطقه؛
- ۴- توسعه روابط تجاری برای اهداف سیاسی و اقتصادی؛
- ۵- بدست آوردن نفوذ در منطقه برای شکست دادن تلاش‌های آمریکا در مهار و یا محاصره راهبردی. رویکرد پکن در منطقه شامل توافقاتی است که از نظر مقیاس کوچکتر از طرح‌های آمریکا هستند و کشورهای آسیایی خاصی را می‌پذیرد، درحالیکه ایالات متحده آمریکا را از شرکت در آنها محروم می‌کند. چین گروه‌هایی با محوریت ده عضو آسه‌آن به همراه خود این کشور، ژاپن و کره جنوبی را مورد توجه قرار داده است که تحت عنوان آسه‌آن به اضافه سه (آسه‌آن+۳)^۱ شناخته می‌شوند (Sutter, 2013: 14-15). پیمان همکاری و مودت با آسه‌آن در سال ۲۰۰۳، اجلاس آسیای شرقی و تلاش برای منطقه تجاری آزاد آسه‌آن که در نوامبر ۲۰۰۴ مطرح شد، به عنوان راهبردی برای وابستگی متقابل و مهار راهبردی ایالات متحده بوده است. چین از مناسبات اقتصادی عمیق با همسایگانش برای کاهش نگرانی‌های منطقه‌ای در مورد

¹ ASEAN Plus 3

² Code of Conduct

³ ASEAN-China Free Trade Area (ACFTA)



۲- همکاری چین با کشورهای جنوب شرقی آسیا

پیشنهاد چین در مورد کمک به تایلند در پی بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ و تصمیم چین برای کاهش ندادن ارزش ارز خود در طول بحران مالی، وقایعی کلیدی هستند که تأثیرگذاری مثبت چین بر آسه‌آن را نشان داد. چین برای ایجاد کنفرانس سیاست امنیتی در حیطه چارچوب انجمن منطقه‌ای آسه‌آن^۱ تلاش کرده است. در نوامبر سال ۲۰۰۲، آسه‌آن و چین موافقتنامه‌ای را در زمینه همکاری‌های اقتصادی جامع، برای ایجاد منطقه تجاری آزاد آسه‌آن و چین در طول ۱۰ سال، به امضا رساند. در نوامبر ۲۰۰۴، دوطرف توافقنامه‌ای را در زمینه تجارت کالا از موافقتنامه چارچوبی همکاری‌های اقتصادی جامع امضا کردند، که شامل یک برنامه زمانبندی برای کاهش تعرفه و حذف نهایی برای خطوط تعرفه (از ابتدا سال ۲۰۰۵) بین دو طرف بود (Vaughn & Morrison, 2006, 8-9).

وو ای معاون نخست‌وزیر چین در طول سفر خود به میانمار، متعهد به گسترش تجارت با میانمار از حدود ۱ میلیارد دلار به رقم ۱.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ شد. چین تا سال ۲۰۰۶، حدود ۱.۶ میلیارد دلار کمک‌های نظامی برای میانمار از جمله در زمینه نوسازی نیروی دریایی فراهم کرد (Ibid, 23-24). پیشنهاد سریع چین در مورد کمک‌های مالی در زمینه مشکلات مالی تایلند در سال ۱۹۹۷ به شدت با مخالفت آمریکا روبه‌رو گردید. عدم اختلافات ارضی بین چین و تایلند نیز از جمله عوامل

گسترش روابط بین دو کشور بود (Ibid, 25).

با وجود پیشرفت در روابط بین چین و ویتنام، تنش‌ها بر سر اختلافات در جزایر اسپرتلی^۲ و پرسل^۳ در دریای چین جنوبی که این دو کشور در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۸۸ با یکدیگر وارد درگیری شدند، کماکان باقی مانده است. استرالیا همکاری‌های اقتصادی خود را با چین به سرعت گسترش داده است. صادرات استرالیا به چین از ۱.۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ به ۵.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت. در حالی که واردات خود را در همین دوره از ۱.۵ میلیارد دلار به ۱۰.۳ میلیارد دلار افزایش داد (Ibid, 29-30). چین با تعامل گسترده با کشورهای منطقه توانسته است بر نفوذ و تأثیرگذاری خود بر منطقه و تحولات آن بیافزاید.

نهادسازی چین در منطقه آسیا-اقیانوسیه

بازگشت به دیپلماسی اقتصادی توسط چین برای اولین بار در جاکارتا و در اکتبر ۲۰۱۳ آشکار شد. شی جین پینگ ریاست جمهوری چین با معرفی کمربند اقتصادی جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ و سپس در سال ۲۰۱۵ با تأسیس موسسه مالی بین‌المللی جدیدی که تحت عنوان بانک زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیایی ایجاد شد، نهادسازی جدیدی را در منطقه شکل داد (McDevitt, 2016: 50). چین در تلاش برای ایفای نقش مرکزی در نهادسازی منطقه‌ای است و قصد دارد تا قدرت اقتصادی روبه رشد

¹ The ASEAN Regional Forum (ARF)

² Spratly Islands

³ Parcel Islands

امنیتی موردنظر خود، چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی منطقه را تغییر شکل خواهد داد (Economy, 2016: 4). درحالی‌که این طرح‌ها در درجه اول برای پیشبرد منافع اقتصادی چین طراحی شده است، اما تحلیلگران چینی آنها را در زمینه مقابله با موازنه مجدد ارزیابی می‌کنند (Ibid).

۱- بانک زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیا

چین قصد خود را برای ایجاد یک بانک توسعه منطقه‌ای جدید در اکتبر ۲۰۱۳ اعلام کرد. به دنبال آن با برگزاری شماری از جلسات و مذاکرات غیررسمی، یادداشت تفاهمی با ۲۱ کشور در سال بعد به امضا رسید. در ۳۱ مارس ۲۰۱۵ که آخرین مهلت برای عضویت موسس در این بانک بود با درخواست ۵۸ کشور همراه بود. آنها همچنین در مورد معیار قرار دادن تولید ناخالص داخلی برای میزان حق رأی در بین اعضا، توافق کردند و پکن را به عنوان مقر این بانک تعیین کردند (Renard, 2015: 1).

ابتکار چین برای تأسیس بانک زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیایی به عنوان چالشی برای نظام برتن وودز^۲ توسط آمریکا در نظر گرفته می‌شود. این بانک بطور رسمی در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ آغاز به کار کرد. سرمایه اولیه این بانک ۱۰۰ میلیارد دلار است که ۷۵ درصد آن توسط کشورهای آسیایی تأمین شده است. این بانک بنا دارد تا در توسعه زیرساخت کشورهای آسیایی سرمایه‌گذاری کند. با توجه به حضور کشورهای مختلف به ویژه کشورهای واقع در غرب اروپا نظیر فرانسه، انگلستان و آلمان به عنوان سهام‌داران

خود را در منطقه برقرار سازد. تأسیس بانک زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیا، «ابتکار یک کمربند، یک جاده» و عضویت فعال چین در شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای^۱ نشان دهنده اقدامات چین در راستای افزایش نفوذ خود در منطقه است. در واقع چین با توسعه رو به رشد اقتصادی خود درصد است در ایجاد قواعد و شکل‌دهی به نهادهایی که در آنها شرکت می‌کند نقش فعالی ایفا نماید. اما با توجه به افزایش تأثیرگذاری چین، ایالات متحده نگران است تا چین قواعد نظم سیاسی و اقتصادی منطقه را به طریق مورد دلخواه خود تغییر دهد و پکن را قادر سازد به ضرر ایالات متحده و منافع‌اش در نهادهای منطقه‌ای نقش فعال‌تر و موثرتری ایفا نماید. پاسخ آمریکا به چین تاکنون در این منطقه با چالش همراه بوده است. رد کردن عضویت در بانک زیرساخت و سرمایه‌گذاری آسیا توسط آمریکا، پکن را به این نتیجه رساند که آمریکا علاقه‌ای برای همکاری با چین فعال‌تر در عرصه‌های بین‌المللی ندارد. توافقنامه شراکت فرآپاسفیک برای جلوگیری از قاعده‌سازی چین در حوزه تجارت در منطقه آسیا-اقیانوسیه شکل گرفته است. عضویت چین در شراکت فرآپاسفیک در صورتی میسر خواهد شد که چین استانداردهای خاص این توافقنامه را بپذیرد (Revere, 2016: 6-7). تلاش‌های چین در منطقه آسیا-اقیانوسیه در جهت تقویت مرکزیت اقتصادی چین در منطقه بکار برده شده است. چین در صورت اجرای کامل تجارت، سرمایه‌گذاری و معماری

¹Regional Comprehensive Economic Partnership

²The Bretton Woods International Order



واحد پولی چین و کمک به افزایش تأثیرگذاری چین در تنظیم قوانین اقتصادی و مالی جهان ایجاد کرده است (Economy, Ibid: 4).

۲- ابتکار یک کمربند-یک جاده

مهمترین ابتکار چین، طرح یک کمربند یک جاده است که اتصال دریایی و زمینی را از چین از طریق آسیا، به خاورمیانه، آفریقا و اروپا فراهم می‌کند. این طرح شصت کشور را در سراسر چهار قاره به یکدیگر متصل می‌کند. پکن حمایت مالی از توسعه شبکه‌های حمل و نقل و تجاری را با رقم ۴۰ میلیارد دلار و به همراه بودجه اضافی برنامه‌ریزی شده از سوی بانک زیرساخت و سرمایه‌گذاری آسیا تضمین کرده است (Ibid).

این طرح همچنین کشور چین را به غرب آسیا، اروپا و شمال آفریقا پیوند می‌دهد. مسیر تجاری زمینی با خطوط ریلی، موجب کاهش هزینه و افزایش امنیت در مسیر تجاری برای چین خواهد شد. باتوجه به حضور گسترده ناوگان نظامی آمریکا در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا، در صورت درگیری احتمالی، این مسیر تجاری بسته خواهد شد. مسیر زمینی که به خاورمیانه متصل می‌شود موجب تداوم تجارت چین با جهان خواهد شد و از این نظر طرحی راهبردی برای این کشور به شمار می‌رود.

۳- شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای

شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای برای اولین بار در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱، طی نوزدهمین اجلاس آسه‌آن در بالی اندونزی مطرح شد. این توافق منطقه‌گرایی آسه‌آن را تقویت می‌کند و تأثیرات شراکت فراسفیک بر ادغام منطقه‌ای را کاهش می‌دهد (Mishra, 2014: 165). در نوامبر ۲۰۱۲،

بانک، موجب نارضایتی آمریکا شده است. آمریکا تصور می‌کند که چین با ایجاد این بانک درصدد بازتاب و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های اقتصادی خود در آسیا است. نگرانی آمریکا در مورد تأثیرگذاری زیاد چین در این موسسه و حق وتو بالقوه آن از دلایل اصلی انتقاد آمریکا به شکل‌گیری این بانک بود (Bendini, 2016: 16).

سخنگوی وزارت امور خارجه چین درباره تأسیس این بانک گفته است که این بانک از اصول باز بودن، غیرانحصاری، شفافیت، مسئولیت و انصاف در سیاست‌های عملیاتی پیروی خواهد کرد. بعضی از تحلیلگران ترتیبات مالی چین را به عنوان ابزاری برای ارتقای بین‌المللی کردن رن مین بی ارز چین می‌دانند که در نهایت دلار آمریکا را تضعیف خواهد کرد. ارزی که محوریت اصلی نظام برتن وودز است. در زمینه عضویت کشورها در این بانک به نظر می‌رسد که یک پیروزی مهم برای چین علیه ایالات متحده بدست آمده است، زیرا با وجود مخالفت آمریکا، تعداد زیادی از کشورهای جهان با عجله برای پیوستن به بانک جدید اقدام کردند (Wang, 2015: 3).

بسیاری از کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا در منطقه آسیای شرقی مانند استرالیا و کره جنوبی با وجود اعتراض و تلاش این کشور، دعوت چین را برای عضویت در این بانک پذیرفتند. این اتفاق به منزله ضربه بزرگی برای آمریکا در راستای پیگیری سیاست موازنه مجدد خود بود. ۱۴ کشور عضو اتحادیه اروپایی با شتاب به پیشنهاد چین برای عضویت در این بانک پاسخ دادند (Renard, Ibid: 4-5). چین این بانک را برای کمک به ظرفیت‌های زیاد و افزایش تقاضا برای کالاهای چینی، محرکی برای بین‌المللی ساختن

عظیم ارزی و رشد اقتصادی باثبات از ظرفیت لازم برای پیگیری اهداف اقتصادی خود برخوردار است.

ایالات متحده آمریکا، افزایش قدرت اقتصادی چین در منطقه را به عنوان زمینه‌ساز کاهش تأثیرگذاری آمریکا در منطقه درک کرده است. زیرا چین به دنبال نوعی از منطقه‌گرایی در آسیای شرقی است که مخالف حضور بازیگران فرامنطقه‌ای است و این خود موجب گسترش اثرگذاری چین در منطقه می‌شود. چرا که چین به عنوان یکی از اقتصادهای مهم جهان با دارا بودن ذخایر عظیم ارزی، نیروی کار گسترده، حجم عظیم تولیدات و ارزان بودن کالاها می‌تواند بازارهای منطقه‌ای و بخش گسترده‌ای از تجارت منطقه را در اختیار بگیرد. ابتکار یک کمربند-یک جاده نیز که هم اکنون به عنوان ابتکاری با تأثیرگذاری جهانی قلمداد می‌شود، موجب اتصال طیف گسترده‌ای از کشورهای جهان به یکدیگر و البته به چین می‌شود. از اهداف این طرح سهولت تجارت، سرعت در جابه‌جایی کالاهای صادراتی و توسعه زیرساخت‌های کشورهای حاضر در این طرح می‌شود. این طرح به وضوح آشکار کننده نقش فعال چین در تعیین راهبردهای اقتصادی در سطح بین-المللی است.

به نظر می‌رسد که چین به دنبال معرفی تصویر تازه‌ای از چین در عرصه‌های بین‌المللی است. چین با اجرای طرح-های مذکور علاوه بر اینکه به رشد اقتصادی خود کمک می‌کند، سعی دارد تا به عنوان اصلی‌ترین بازیگر تأثیرگذار در منطقه آسیای شرقی ایفای نقش کند.

آسه‌آن و شرکایی که با این مجموعه توافق تجاری آزاد دارند، بطور رسمی برای آغاز مذاکرات شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای توافق کردند. نکته مهم این است که کشورهایی نظیر آمریکا که توافق تجاری آزاد با آسه‌آن ندارند، نمی‌توانند در مذاکرات موردنظر شرکت کنند (Hamanaka, 2014:11). مذاکرات پیمان مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای میان ده کشور اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا و شش کشوری که با آسه‌آن توافقی‌نامه‌های تجاری دارند، صورت می‌گیرد (Hearn & Myers, 2015: 2). برای چین کنترل اعضا (برقراری چارچوبی در آسیای شرقی بدون ایالات متحده) اولویتی بالاتر از کنترل دستورکار شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای است (Hamanaka, Ibid: 12).

نتیجه‌گیری

پس از آغاز جنگ‌های افغانستان و عراق از سوی ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳، کاهش حضور ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی و افزایش رشد اقتصادی چین، زمینه‌های لازم را برای افزایش تأثیرگذاری چین در منطقه آسیای شرقی به وجود آوردند. چین با افزایش مناسبات اقتصادی خود با کشورهای منطقه سبب نزدیکی کشورهای منطقه به خود شد. در سال‌های اخیر ایجاد ابتکارات اقتصادی چین و در برگرفتن کشورهای منطقه، سبب افزایش تأثیرگذاری چین در منطقه آسیای شرقی شده است. نهادسازی چین در منطقه سبب شکل-گیری نوع جدیدی از ابتکارات چین در راستای افزایش تعاملات این کشور شده است. این کشور با دارا بودن ذخایر



Relations, Nuclear Diplomacy, and Internal Situation. *Congressional Research Service*. 15 January.

6- Chan, Irene and Hyatt Katz, Daniel (2013). Growth of China's Power and Implications for Asia in the 21st Century) Policy Brief). *S. Rajaratnam School of International Studies* (Nanyang Technological University). December.

7- Economy, Elizabeth (2016). Objective and Future Direction for Rebalance Economic Policies. *Council on Foreign Relations*. 31 March.

8- Gross, Donald and Goodby, James and Merritt, Jack N. (2007). A Framework for Peace and Security in Korea and Northeast Asia) Policy Paper). *Report of the Atlantic Council Working Group on North Korea*. April.

9- Hamanaka, Shintaro (2014). Trans-Pacific Partnership versus Regional Comprehensive Economic Partnership: Control of Membership and Agenda Setting (ADB Working Paper Series on Regional Economic Integration). *Asian Development Bank*. No. 146. December.

10- Hearn, Adrian H. and Myers, Margaret (2015). China and The TPP: Asia-Pacific Integration or Disintegration? (China and Latin America Report). *The Dialogue*. July.

11- Layne, Christopher (2008). China's Challenge to US Hegemony. *Current History*. January.

12- Lee, John (2016). In Defense of the East Asian Regional Order: Explaining Japan's Newfound Interest in Southeast Asia. *Geopolitics, History, and International Relations*. Vol. 8. No.1. Autumn.

13- McDevitt, Michael A. (2016). The South China Sea: Island Building and Evolving U.S. Policy. *Building a Regional Order in East Asia: Community, Competition, Conflict, National Committee on American Foreign Policy*. New York.

14- Mishra, Rahul (2014). The us Rebalancing Strategy: Responses from Southeast Asia. Asian Strategic review (us Pivot and Asian Security.)

فهرست منابع

فارسی:

۱- امیراحمدیان، بهرام و صالحی دولت‌آباد، روح اله (۱۳۹۵)، «ابتکار، جاده ابریشم جدید، چین (اهداف، موانع و چالش‌ها)»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ش ۳۶.

۲- بوزان، باری (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۲.

۳- کولایی، الهه و نیک‌نام، رضا (۱۳۹۳)، «چالش راهبردی چین و ایالات متحده بر سر هژمونی جهانی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۱۱، س ۳.

۴- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت، چ ۲، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

لاتین:

1- Blackwill, Robert D. and Tellis, Ashley J. (2015). Revising U.S. Grand Strategy Toward China, Council on Foreign Relations. No. 72. March.

2- Blakemore, Scott (2014). Chinese Regionalism: China's Engagement with Asean and SCO. *Culture Mandala: The Bulletin of the Centre for East-West Cultural and Economic Studies* (The Bulletin of the Centre for East-West Cultural and Economic Studies), Vol. 11, Issue 1. January.

3- Bendini, Roberto (2016). In-Depth Analysis United States - China relations: a complex balance between cooperation and confrontation. *Directorate -General for External Policies Policy Department* (European Parliament). March.

4- Chadha, Vivek (2014). Military Implications of the US Rebalancing Strategy. Asian Strategic Review (us Pivot and Asian Security). *Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press)*. First Published. New Delhi.

5- Chanlett-Avery, Emma and Rinehart, Ian E. and Nikitin, Mary Beth D., (2016). North Korea: U.S.



24-Wang, Hongying (2015). The Asian Infrastructure Investment Bank a New Bretton Woods Moment? a Total Chinese Triumph? (Policy Brief). *CIGI*. No. 5

Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press). First Published. New Delhi.

15- Morrison, Wayne M. (2015). China's Economic Rise: History, Trends, Challenges, and Implications for the United States. *Congressional Research Service*. 21 October.

16- Renard, Thomas (2015). The Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB): China's new multilateralism and the erosion of the West (Security Policy Brief). *Egmont Royal Institute for International Relations*. No. 63. April.

17- Revere, Evans J.R. (2016). U.S. Policy and East Asian Security: Challenge and Response. *Building a Regional Order in East Asia: Community, Competition, Conflict, National Committee on American Foreign Policy*. First Published. New York.

18- Ross, Robert S. (2013). US Grand Strategy, the Rise of China, and US National Security Strategy for East Asia. *Strategic Studies Quarterly*. Summer.

19- Salidjanova, Nargiza and Koch-Weser, Iacob and Klanderman, Jason (2015). China Economic Ties with ASEAN: A Country-by-Country Analysis (Staff Research Report). *U.S.-China Economic and Security Review Commission*. 17 March.

20- Saunders, Phillip C. (2013). The Rebalance to Asia: U.S.-China Relations and Regional Security. *Institute for National Strategic Studies*. Vol. 1. No. 281. August.

21- Sutter, Robert G. et al. (2013). Balancing Acts: The U.S. Rebalance and Asia-Pacific Stability. *The George Washington University*. August.

22- Tsai, Sabrina (2013). Obama's Second Term in the Asia-Pacific Region Reflecting on the Past, Looking to the Future. *Project 2049 Institute*. September.

23- Vaughn, Bruce and Morrison, Wayne M (2006). China-Southeast Asia Relations: Trends, Issues, and Implications for the United States. *Congressional Research Service*. 4 April.